

## نگاهی به روابط ایران و فرانسه ۱۹۲۰ - ۱۹۱۸

### مقدمه

ایران از سده نوزدهم میلادی، به علت داشتن موقعیت ویژه جغرافیایی، نزدیکی به هندوستان و هم‌مرز بودن با روسیه تزاری، زیر فشار دو قدرت بزرگ، یعنی انگلستان و روسیه تزاری، قرار داشت. از این رو، گاهی برای کاستن از فشار دو قدرت شمالی و جنوبی، دولت ایران به فرانسه، به عنوان نیروی سوم، نزدیک شد و روابط دیپلماتیک خود را با آن تقویت کرد. فرانسه نیز بیشتر در همان مقاطع، با انگیزه‌های متفاوت، روابط خود را با سرزمین شیر و خورشید گسترش داد.

فرانسه همراه با حضور فرهنگی مؤثر و مستمر و روابط اقتصادی کم‌رنگ، بر اساس معادلات قاره اروپا و روابط خود با انگلستان و روسیه، گاهی دولت ایران و برخی رجال فرانکوفون و فرانکوفیل را مورد توجه قرار داده و از ایران، حمایت سیاسی می‌نمود، ولی به محض برطرف شدن نیاز خود، ایران را در دریای پرتلاطم حوادث بین‌المللی رها می‌ساخت. تجربه روابط ایران و فرانسه در عصر «ناپلئون اول» و عهدنامه «فین کن اشتاین» (۱۸۰۷) و روابط دو کشور در سال ۱۸۵۶ پیرامون مسئله هرات و میانجیگری ناپلئون سوم، گویای این حدیث مفصل است.

پس از جنگ جهانی اول، دولت ایران کوشید از حمایت سیاسی دولت فرانسه و آمریکا

برای حضور در کنفرانس صلح و رسای استفاده کند. گروهی از رجال کشور نیز در صدد بودند با تحریک فرانسه، برابر انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلستان موافقی ایجاد کنند.

موضوع عدم توفیق ایران برای شرکت در کنفرانس صلح و رسای و مسائل قرارداد ۱۹۱۹، مورد توجه پژوهشگران زیادی قرار گرفته است. مرحوم «دکتر شیخ‌الاسلامی» در اثر ارزشمندیان، «اسناد سری وزارت امور خارجه انگلستان، قرارداد ۱۹۱۹»، اسناد انگلیسی مربوط به این ماجرا را ارائه داده‌اند و مترجم و پژوهشگر گرامی «آقای فریدون زندفرد» در کتاب «ایران و جامعه ملل»، با تکیه بر اسناد وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا، موضوع تمایل ایران به شرکت در کنفرانس صلح را بررسی کرده است.

مقاله حاضر می‌کوشد با تکیه بر اسناد وزارت امور خارجه فرانسه، دو موضوع حضور ایران در کنفرانس صلح و رسای و واکنش فرانسه در برابر قرارداد ۱۹۱۹ را بررسی کند.

در ارتباط با آرشیو وزارت امور خارجه فرانسه، واقع در محله «که دورسه» (Quai d'Orsay) نکات زیر را می‌توان گفت: پرونده‌ها بر اساس سال، کشور و شماره کارتن، طبقه‌بندی شده و پژوهشگران با ثبت سفارش، یک روز قبل، در محل آرشیو و یا با استفاده از اینترنت و حتی تلفن، می‌توانند در روز مراجعه، به اسناد مورد نظر دسترسی یابند. مسئولان این آرشیو، همکاری خوبی با پژوهشگران دارند. همچنین پیش‌بینی مقررات آسان برای گرفتن مجوز استفاده رایگان از اسناد و راهنمایی‌های ارائه شده به پژوهشگران، نکات مهمی هستند که در وزارت امور خارجه ایران، همواره به علت هزار اما و اگر، از پژوهشگران دریغ می‌شود.<sup>۳۳</sup> در آرشیو «که دورسه»، برخی از اسناد قدیمی، به صورت میکروفیش درآمده‌اند، ولی بخش زیادی از آنها در کارتن‌های مربوطه جاسازی شده‌اند. البته اسناد فوق‌العاده ارزشمند مانند نامه پادشاهان و رؤسای جمهور، در مراکز بایگانی دیگری نگهداری می‌شوند.

ارجاع‌های اسنادی این مقاله، براساس الگوی زیر و با مخفف‌های مناسب، ارائه شده است:

۳۳ مشخص نیست که نویسنده محترم این مقاله، آخرین بار، چه زمانی به آرشیو اسناد وزارت امور خارجه مراجعه کرده‌اند. گویا زمان این مراجعه مدت‌ها پیش بوده است، زیرا اگر ایشان امروزه به مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه مراجعه نمایند، این گفته خود را نباید نخواهند کرد.

مجلد، شماره کاترین، سال، نام کشور، A.M.A.E.F. (آرشیو وزارت امور خارجه فرانسه) نام نویسنده سند، مقصد دریافت کننده، مبدأ ارسال نامه، شماره برگه و تاریخ صدور سند. با توجه به اینکه بسیاری از اسناد، ورقه‌های ثبت تلگرام بود، در مواردی، تشخیص درست تاریخ سند، مشکل بود و نیاز به راهنمایی داشت و در مواردی نیز، اسناد دارای تعدادی از مشخصه‌های یاد شده بالا نبودند. از سوی دیگر، اوراق برخی از اسناد در یک پرونده و بقیه اوراق، به اشتباه، در پرونده و یا کاترین‌های دیگر قرار گرفته بودند. مسئله دستنویس بودن برخی از اسناد نیز با توجه به دستخط دیپلمات‌های فرانسوی، برای تشخیص دقیق واژه مکتوب و احتمال وجود کدهای رمز، از جمله مشکلات پیش روی پژوهشگر است.

### طرح موضوع

در جریان جنگ جهانی اول، سرزمین ایران، با وجود اعلام بی‌طرفی رسمی توسط دولت (کابینه مستوفی‌الممالک) و مجلس سوم،<sup>(۱)</sup> از طرف دول متخاصم، مورد تعدی قرار گرفت.<sup>(۲)</sup> نیروهای روسیه و عثمانی در شهرهای شمالی، شمال‌غربی و غرب کشور، پیشروی کردند و انگلستان نیز نیروهای خود را از جنوب، مناطق خلیج فارس و دریای عمان به سمت شمال فرستاد. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ باعث شد نیروهای روسیه، ایران را به تدریج ترک کنند. عثمانی‌ها نیز درگیر شورش‌های داخلی اعراب شدند. از این رو در پایان جنگ، انگلستان در ایران بدون رقیب باقی ماند. ضعف بسیاری بر دولت مرکزی ایران حاکم بود و پس از مجلس سوم، انتخابات جدیدی برگزار نشده بود. از نوامبر ۱۹۱۵ تا اوت ۱۹۱۸، نه کابینه جدید، جایگزین کابینه‌های پیش از خود شدند.<sup>(۳)</sup>

دو دولت متفق (انگلستان و فرانسه)، براساس توافق «سایکس - پیکو» (۱۹۱۶) و مفاد مذاکرات پیش از کنفرانس صلح، درباره تقسیم مناطق استعماری و حوزه‌های نفوذ، با یکدیگر هماهنگی داشتند، اما مسائل و آینده ایران، در هیچ‌یک از مذاکرات پیشین، مطرح نشده بود و فرانسه تصور نمی‌کرد که انگلستان، خارج از چارچوب توافق‌ها، مسائل ایران را به نفع خود برنامه‌ریزی کرده و با قرارداد ۱۹۱۹، رژیم قیمومت را بر ایران تحمیل کند. بدین ترتیب، حساسیت فرانسوی‌ها برانگیخته شد و گروهی از ایرانیان نیز به واکنش فرانسه، به عنوان یک

قدرت حامی، بدون داشتن منافع استعماری در ایران، امیدوار شدند و با طرح موضوع ضرورت حضور هیأت ایرانی در کنفرانس صلح و رسای، کوشیدند ضمن حضور فعال‌تر در صحنه بین‌المللی، با ارائه فهرست‌هایی از خسارت‌های وارده به کشور در جنگ جهانی، بخشی از این خسارت‌ها را جبران کنند. در همین زمان، این فکر نزد برخی از رجال سیاسی ایران قوت یافت که با حمایت فرانسه، می‌توان مانع از اجرای قرارداد ۱۹۱۹ شد؛ هر چند، گروهی از رجال سیاسی وقت، به سرکردگی «وثوق‌الدوله»، نخست‌وزیر وقت، متقاعد شده بودند که توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران در سایه تحت‌الحمایگی یک قدرت بزرگ، امکان‌پذیر می‌شود. پس در کابینه دولت، تمایل جدی به قرارداد ۱۹۱۹ مشاهده می‌شد.

#### روابط دو کشور در آستانه کنفرانس صلح و رسای

پس از بسته شدن قرارداد صلح میان متفقین و دولت آلمان، وثوق‌الدوله، بی‌درنگ، در تلگرامی رسمی، تبریک صمیمانه دولت ایران را به «کلمانسو»، رئیس شورای وزیران فرانسه، اعلام داشت. (۴)

با توجه به اینکه در پیشنهادهاى مقدماتی دولت آمریکا برای کنفرانس صلح، از دو کشور ایران و لوکزامبورگ به عنوان کشورهایی که بی‌طرفی آنها نقض شده بود، برای شرکت احتمالی در کنفرانس صلح نام برده شده بود، (۵) دولت ایران در صدد تهیه فهرستی از خسارت‌های وارده به ایران و اعزام هیأتی به پاریس برآمد و کوشید روابط گرمی را با پاریس برقرار سازد. وثوق‌الدوله در ملاقات با سفیر وقت فرانسه، «ریموند لوکنت»، موضوع علاقمندی جدی ایران را به تقویت روابط با فرانسه، مطرح ساخت. سفیر فرانسه در گزارش خود به «که دورسه» نوشت: «کابینه تهران، مرا مأمور ساخته است تا به اطلاع حضرت عالی (پیشون)، وزیر خارجه وقت فرانسه) برسانم و تضمین کنم که دولت اعلیحضرت پادشاه ایران، آمادگی کامل دارد که به روابطش با فرانسه، از طریق قراردادهای تجاری، پایه‌ای مستحکم بخشد». (۶)

«مشاورالممالک»، وزیر امور خارجه وقت ایران - که گرایش فرانسوی داشت - در نامه‌ای رسمی به همتای فرانسوی خود، پیشون، نوشت: «با اعتماد کامل به پشتیبانی دولت فرانسه و با توجه به اینکه کنفرانس صلح به‌زودی برگزار می‌شود، افتخار دارد که فهرست ادعاهای ایران را

تسلیم آن مقام کند». نامه مشاورالممالک - که متن فرانسه آن در دسترس است - بر هفت نکته تأکید دارد:

۱. لغو عهدنامه‌ها، توافقات و روش‌های مخالف با تمامیت ارضی ایران؛
  ۲. جبران خسارت‌های وارده بر ایران از سوی طرف‌های درگیر جنگ؛
  ۳. آزادی اقتصادی ایران؛
  ۴. بستن عهدنامه‌های جدید بازرگانی با تعرفه گمرکی مبتنی بر آزادی تجارت؛
  ۵. حمایت از ایران برای بازرگاری در امتیازاتی که بیگانگان امروزه از آن برخوردارند؛
  ۶. بازشناسی خطوط مرزی ایران و جبران آسیب‌های وارده به مناطق مرزی ایران.
- مشاورالممالک در پایان نامه، با صراحت از پیشون درخواست کرد که از ایران برای شرکت در کنفرانس صلح دعوت شود.<sup>(۷)</sup> دولت ایران به امید اینکه در کنفرانس صلح شرکت کند، فهرستی از خسارت‌های وارده به کشور را در خلال جنگ، تهیه کرد، ولی با توجه به وضعیت پایان جنگ، بی‌ثبات داخلی، ضعف دولت و به‌ویژه، بیماری همیشگی بی‌نظمی بخش‌های اداری ایران، کار تهیه این فهرست‌ها با مشکلاتی روبرو شد و وزارت خارجه مجبور شد در چند نوبت، هر بار فهرست جدیدی از خسارت‌ها را تهیه و به سفارت فرانسه در تهران تسلیم کند تا مفاد آن به اطلاع دبیرخانه کنگره صلح رسانده شود.

بر اساس یکی از اسناد بدون تاریخ امضا شده توسط «ریموند لوکنت»، سفیر فرانسه، وی کوشیده بود دولت ایران را قانع سازد که ارسال سه فهرست از خسارت‌ها، همراه با متن درخواست نخستین، اقدام صحیحی نیست و گویا ایران در نگارش موارد خسارت، زیاده‌روی کرده است. لوکنت در نامه خود به وزارت خارجه فرانسه نوشت: «جداول ارائه شده، آن قدر کلی و مبالغه‌آمیز است که قصد فریب و جلب نظر مثبت کنفرانس در آن آشکار است». در ادامه این نامه، آمده است: «بسیار کوشیدم به دولت ایران بفهمانم که این گونه مانورها، نه تنها بی‌فایده است، بلکه اصرار زیاد و فشار بی‌مورد روی این درخواست‌ها، تا حدی باعث خدشه‌دار شدن احترام و شأنی است که ما برای ایران قائل هستیم».<sup>(۸)</sup>

مشاورالممالک، پیش از اینکه هیأت ایرانی، بدون دریافت دعوتنامه رسمی، عازم پاریس شود، با ارسال یک نامه، کوشید نظر مثبت وزیر خارجه فرانسه را نسبت به ایران جلب

کند. وی در این نامه نوشت: «دوستی مستمری که شما نسبت به دولت من در مدت طولانی اشتغالتان در سمت وزیر خارجه ابراز داشته‌اید»<sup>۳</sup>، از نظر ما، وثیقه‌ای گرانبها از حمایتی است که فرانسه قطعاً با رأی و نظر شما، از ادعاهای مشروع ما، به عمل می‌آورد.» (۹۰) (۱۰)

وی به پیوست نامه‌اش، دوباره تصویر فهرست درخواست‌های ایران را به پیشون ارسال کرد و نوشت: «من به سیاست میانجیگری‌های شما و لطفی که شما نسبت به کشور من دارید، متوسل می‌شوم تا پاسخی مناسب با این درخواست‌ها را دریافت دارم.» (۱۱)

دولت فرانسه به تدریج متوجه شد که انگلستان درباره ایران، طرح‌های جدیدی را تعقیب می‌کند. نخستین موضع دولت فرانسه در برابر درخواست ایران، مبنی بر شرکت در کنفرانس، این بود که چون دولت ایران از ابتدا تا پایان جنگ، به طور رسمی، بی طرف بوده و از آنجا که کنفرانس، ویژه دول درگیر و فاتح در جنگ است، پس حضور هیأت ایرانی در کنفرانس، بدون حق رأی و فقط در حد قرائت گزارش خود، همانند سایر اقلیت‌ها، باشد. پیشون در ملاقات با سفیر انگلستان در پاریس، درخواست ایران را مطرح ساخت و راه‌حل پیشنهادی خود را، مبنی بر قرائت گزارش بدون حق رأی، بیان داشت.

پیشون در یادداشتی که به سفارت فرانسه در تهران ارسال کرد، سفیر فرانسه را مأمور کرد تا به سفارت انگلستان در تهران، به طور رسمی اطلاع دهد که دولت فرانسه هیچ گونه دعوت‌نامه و یا عنوان مشابهی را برای دولت ایران ارسال نکرده است؛ همان‌طور که برای هیچ دولت بی‌طرفی، این کار را نکرده است. همچنین به دولت ایران اطلاع دهد که فرانسه آمادگی دارد از هیأت نمایندگی ایران، فقط برای استماع نظراتش، همانند نمایندگان آرامنه، گرجی‌ها، کردها و غیره، دعوت کند.

وزیر خارجه فرانسه در یادداشت خود ادامه داد: «... «لرد دربی» (سفیر انگلستان در پاریس) با پیشنهاد فرانسه موافق است، ولی یادداشتی از لندن دریافت داشته مبنی بر اینکه دولت انگلستان اساساً، حضور مشاورالممالک انصاری در کنفرانس را، حتی برای استماع

۳ گویا مشاورالمملک اطلاع دقیقی درباره مدت انتصاب پیشون در سمت وزارت خارجه نداشته است، زیرا

نامبرده از تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۱۷ تا ۲۰ ژانویه ۱۹۲۰، این سمت را داشت.

گزارش، غیرممکن می‌داند و نظر لندن بر این است که اساساً مسائل ایران، خارج از عناوین کنفرانس صلح است.<sup>۱۱۱</sup> پیشون در همین یادداشت، علت مخالفت صریح انگلستان را این گونه تحلیل کرد: «رأی صد درصد مخالف انگلستان، حاکی از این است که انگلستان در صدد است پس از کنفرانس صلح، در مذاکرات رو در رو با دولت یا شاه، بر پایه منافع خود، نظراتش را بر ایران تحمیل کند.»<sup>(۱۲)</sup>

پیشون سرانجام به قرارداد اتحاد انگلستان و فرانسه اشاره کرد و مدعی شد که دیگر سیاست سنتی ایران، یعنی «از آب گل آلود ماهی گرفتن» فایده‌ای ندارد و ایران نمی‌تواند با سیاست ایجاد اختلاف میان قدرت‌ها، منافع خود را تامین کند و فرانسه و انگلستان، به این روش‌ها بهایی نمی‌دهند.<sup>(۱۳)</sup>

آنچه مسلم است، دولت فرانسه حداقل در ماه‌های نخستین پس از جنگ جهانی، به حمایت متحد مهم خود، انگلستان، احتیاج داشت و نمی‌توانست روابط خود را با لندن، قربانی مسائل یک حوزه جغرافیایی - که در آن دارای منافع مستقیم نبود - کند، ولی فرانسه کوشید از شرایط جدید ایران، اطلاعات دقیق‌تری کسب کند و در این رابطه، دو گام اساسی برداشت: یکی تغییر سفیر قبلی<sup>۱۱۲</sup> - یعنی ری‌موند لوکنت - که از سال ۱۹۰۹، در تهران روابط صمیمانه‌ای با سفارت انگلستان برقرار کرده بود - و جایگزینی آن با یک سفیر جنجالی به نام «بونن»<sup>(۱۴)</sup> و دوم، برنامه‌ریزی برای تهیه گزارش‌های دقیق‌تر از ایران که در این رابطه، ابتدا بونن قبل از دریافت حکم سفارت، موظف به تهیه گزارشی پیرامون مسائل ایران شد و همچنین «ژنرال فرانسه دسپری»، فرمانده کل قوای متفقین در شرق، از طرف شورای وزیران در «متینون» (کاخ نخست‌وزیری) و وزارت جنگ فرانسه، مأمور شد گزارش تفصیلی در ارتباط با ایران تهیه نماید.

بونن در گزارش ۱۰ اکتبر ۱۹۱۸ نوشت که شکست آلمان و سقوط رژیم تزاری روسیه،

---

<sup>۱۱۱</sup> تاریخ دقیق تعیین سفیر فرانسه مشخص نیست. به احتمال زیاد این تغییر در حد فاصل دسامبر ۱۹۱۸ و ژانویه ۱۹۱۹ صورت گرفته است. با عنایت به اینکه کتابچه راهنمای سالانه مأموران دیپلماتیک فرانسه، اسامی را به صورت جدول دو ساله ثبت کرده است، در جدول سال ۱۹۱۸ نام «لوکنت» و در جدول سال ۱۹۲۰ نام بونن مشاهده می‌شود.

شرایط جدیدی را برای ایران فراهم ساخته است. از نظر بونن، انگلستان که پیشاپیش در جنوب ایران حضور داشت، می‌کوشد در شمال، جانشین روسیه شود و فقط منطقه بی‌طرف، یعنی مرکز، می‌ماند که فرانسه در آن صاحب نفوذ شود. براساس گزارش بونن، نیت انگلستان برای سلطه بر ایران، این است که از این سرزمین برای بستن راه هند استفاده کند و با توجه به تسلطش بر عراق، امپراطوری خود را از گنگ تا نیل گسترش دهد، ولی چنین نقشه‌هایی بیش از حد آشکار، باعث می‌شود که گروهی از ایرانیان و حتی جمعی از مسلمانان هند، نهضت مقاومت تشکیل دهند و به جنبش‌های ضد امپریالیستی بپیوندند.

بونن پیشنهاد نمود برای جایگزینی موقت روسیه و آلمان، جایگاهی برای فرانسه لحاظ شود و برای افزایش اعتبار و شهرت فرانسه در شرق، اقداماتی به عمل آید. وی ادعا کرد که عدم حضور فرانسه در مسائل ایران، باعث شده حتی کارشناس آمریکایی، «مورگان شوستر»، در کتاب خود به این امر اشاره کند و از «که دوره» خواست که امکانات و پرسنل بیشتری در اختیار سفارت فرانسه در تهران قرار گیرد تا نقش فرانسه به سطح دولت درجه دو، مانند بلژیک، تنزل نیابد.

وی که اعزام یک هیأت فرانسوی را برای بازسازی کلی ارتش ایران، مفید می‌دانست، در ارتباط با احتمال قوی مخالفت انگلیسی‌ها نوشت: «از آنجا که فرانسه در ایران منویات تسخیر اراضی ندارد، انگلیسی‌ها خواهند فهمید که به جای روس‌ها، آلمان‌ها و یا ترک‌ها، حضور فرانسه مفیدتر است». بونن پیشنهاد نمود که سفارت فرانسه در تهران، همانند سفارت انگلستان و در گذشته، سفارت روسیه، مجهز به یگان نظامی شود و اعضای این یگان، سربازان محمدی (پیرو آیین اسلام) باشند تا از نظر ایرانیان، فرانسه یک قدرت حامی مسلمانان تلقی شود. بونن در ادامه نوشت: «سربازان مراکشی، به طور خاص، برای این مأموریت مناسب هستند، زیرا که از نظر آب و هوا، مراکش با ایران مشابهت دارد و همچنین سلسله حاکم در مراکش، «فاطمیون» هستند و این فرقه، نزد شیعیان از احترام خاصی برخوردار است».<sup>(۱۵)</sup>

بونن در یادداشت تکمیلی خود که ده روز بعد، یعنی ۲۰ اکتبر ارسال نمود، به شدت، سیاست بی‌تفاوتی فرانسه نسبت به مسائل ایران را مورد انتقاد قرار داد. وی اظهار داشت که سیاست پیروی فرانسه از انگلستان و روس‌ها، باعث سوء شهرت فرانسه در ایران شده است.<sup>(۱۶)</sup>



ژنرال فرانسه دسپری، فرمانده قوای متفقین در شرق، نیز در ۲۱ مارس ۱۹۱۹، گزارشی را از مسائل ایران به متینون ارائه داد. وی در این گزارش، نخست به سیاست آلمانی‌ها و عثمانی‌ها برای جذب ایران در جبهه متحدین اشاره نمود و مدعی شد که دوستی ایرانی‌ها با ملت و دولت فرانسه، مانع از این شد که ایرانی‌ها، با وجود خصومت با روس‌ها، به جبهه خصم فرانسه بپیوندند. ژنرال دسپری همچنین نوشت: «آلمان و ترکیه سعی داشتند ایران در صحنه جنگ درگیر شود، زیرا که حضور ایران به عنوان یک قدرت مسلمان، علیه روسیه، باعث شورش عمومی مسلمانان در قفقاز، ترکستان، افغانستان، بلوچستان و هند می‌شد»، ولی «به رغم بی‌طرفی ایران، این کشور مورد غارت، وحشی‌گری و قحطی شده، به حدی که گویا در جنگ مستقیماً شرکت داشته است. علت عدم مشارکت ایران در جنگ علیه روسیه، صرفاً علاقه ملت و دولت ایران به فرانسه است که اعتبار معنوی‌اش بسیار بالا است. این پیوند و علاقه به فرانسه، نزد تمام طبقات جامعه ایران، به ویژه الیت روشنفکری، مشاهده می‌شود، خصوصاً اینکه این گروه، یا در ایران در مدارس فرانسوی و یا در فرانسه در دانشکده‌های ما درس خوانده‌اند. جناح طرفدار فرانسه در ساختار دولت از نفوذ بالایی برخوردار است و به واسطه تلاش آنها، ایران به رغم میل باطنی برای انتقام از روسیه، به نفع دول محور وارد جنگ نشد».

ژنرال نامبرده در ادامه گزارش خود به درخواست دولت ایران برای حضور در کنفرانس صلح اشاره نموده و نوشت: «اینکه اساساً مسائل ایران در کنفرانس صلح مطرح نشود، غیر عادلانه خواهد بود». وی سپس سیاست‌های برتری جویانه انگلستان را مورد اشاره قرار داد و نوشت: «حزب سلطنت طلب (حزب محافظه کار) که بسیار فعال و بانگیزه است، در صدد گسترش نفوذ انحصاری انگلستان در کلیه نقاط تحت نفوذ و یا سلطه روسیه، آلمان و ترکیه می‌باشد و چنین سیاستی را در عربستان، مزاپوتمی (عراق)، فلسطین، قفقاز، ایران و حتی سوریه، تحت عناوین مختلف مانند تحت‌الحمایگی و یا منطقه تحت نفوذ، تعقیب می‌کند». وی سیاست انگلستان را مخالف اهداف فرانسه دانسته و معتقد بود که سیاست بریتانیا، باعث حذف معنوی و اقتصادی فرانسه از کل شرق می‌شود. از نظر ژنرال دسپری، پافشاری بر این سیاست، هم برای فرانسه و هم برای انگلستان خطرناک است؛ زیرا که ایرانیان بسیار هشیارتر از این هستند که بپذیرند کشورشان منطقه نفوذ انگلستان شود و در اندک زمانی، دچار سرنوشت مصر گردند و خطر انتقام‌های

وحشیانه روس‌ها را به جان بخرند.

ژنرال به وضعیت ویژه ایران اشاره نمود و نوشت: «ایران به یک نوزایش سریع و کامل نیاز دارد؛ جمعیتی باهوش، خاک و زیرخاکی غنی، ولی فاقد مردان شایسته برای هدایت و سازماندهی کشور». نتیجه‌گیری پایانی ژنرال دسپری، تا حدی گویای ذهنیت‌های استعماری او است. وی استدلال نموده بود: «ایران به یک قیمومت نیاز دارد، ولی قیمومت صرفاً انگلیسی، مضرات عدیده دارد، اما قیمومتی انگلیسی - فرانسوی که تمام طبقات ایرانی از آن به گرمی استقبال می‌کنند، مفید خواهد بود». پیشنهاد پایانی ژنرال دسپری این بود: «لغو قرارداد ۱۹۰۷ و انعقاد قراردادی جدید با ایران، به نحوی که این کشور برای یک دوره نامعین، زیر قیمومیت مشترک انگلستان و فرانسه قرار گیرد و سپس به جای اعزام متخصصان فنی، کارگرانی در این سرزمین بکر حضور یابند تا ثروتش را ارزش‌گذاری نموده و مورد بهره‌برداری قرار دهند».

ژنرال نامبرده در گزارش مشابه دیگری - که در آن به کلنی ایرانیان ساکن استانبول و علاقه بسیار آنها به فرانسه اشاره کرده است - نتیجه گرفته که فرانسه نباید به مسائل ایران بی تفاوت باشد، زیرا که ایران حوزه خوبی برای توسعه نفوذ فرهنگی و اقتصادی فرانسه است. (۱۷)

#### تشدید فعالیت سفارت فرانسه

هیأت اعزامی ایران به فرانسه، به سرپرستی مشاورالممالک انصاری، وزیر خارجه وقت، به امید اینکه دعوتنامه رسمی را در پاریس دریافت کند، عازم پاریس شد. اقدام دولت فرانسه در اختصاص یک ناوچه برای عزیمت هیأت ایرانی، موجب دلگرمی هیأت شد، ولی همزمان در کابینه تهران، تغییراتی در شرف وقوع بود. وثوق‌الدوله در حال انجام مذاکرات محرمانه با «سرپرسی کاکس»، سفیر انگلستان در تهران، درباره قرارداد ۱۹۱۹ بود. انگلستان برای تثبیت نفوذ خود در خط طولی هند، ایران، عراق و مناطق همجوار، به انعقاد یک قرارداد تحت‌الحماگی با ایران متوسل شد. (۱۸)

بونن از اوایل ژوئیه ۱۹۱۹، گزارش‌های زیادی را در ارتباط با زمینه‌سازی‌های دولت انگلستان برای برقراری نظام تحت‌الحماگی در ایران به «که دورسه» ارسال کرد. وی در یادداشتی نوشت: «اخیراً گروه زیادی از جوانان ایرانی به سفارت فرانسه مراجعه کرده‌اند تا برای سفر به

انگلستان، ویزای ترانزیت بگیرند. این گروه اظهار می‌دارند که عازم انگلستان برای گذراندن دوره‌های آموزشی هستند تا به عنوان عوامل دولت انگلستان، امور تجاری ایران را عهده‌دار شوند».

بونن در یادداشت خود ادامه داد: «... «پدر شاتله»، مدیر کالج فرانسوی سنت لوئیس در تهران، می‌گوید: در میان جوانان ایرانی شایع شده است که دولت انگلستان آنان را برای یک سری آموزش‌ها به انگلستان اعزام می‌کند». بونن سپس به اقدامات سفارت انگلستان در تقویت تجارت کشورش و فلج کردن تجارت سایر کشورها پرداخته و نوشت: «مجله «ایسیپ میل» (پست مصر) که در ایران نیز به چاپ می‌رسد، در صفحه اقتصادی خود نوشته است که دولت‌هایی که منافع اقتصادی در ایران دارند، انگلستان و آمریکا هستند». بونن، نیاوردن نام فرانسه را دلیلی بر وجود یک نقشه می‌داند. وی در پایان گزارش مدعی شد که حدود شش هفته است که مأموران انگلیسی، کلیه مکاتبات خارجی را کنترل می‌کنند. (۱۹)

بونن در تلگرام ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۹ به «که دورسه» هشدار داد که براساس اطلاعات وی، انگلستان در صدد برقراری یک نظام قیمومت تمام عیار در ایران است: «صرف اینکه انگلیسی‌ها اعلام می‌کنند که استقلال ایران حفظ خواهد شد، کفایت نمی‌کند، زیرا ایرانی‌ها از سرنوشت مصری‌ها و وعده‌هایی که به آنها داده شده بود، واقفند». بونن اظهار نمود که نخست‌وزیر ایران یک بار به وی گفته است که پس از جنگ، فشار انگلیسی‌ها شدت یافته است. (۲۰)

بونن در گزارش‌های دیگر خود، از توجه احمدشاه به فرانسه صحبت نمود. در ملاقاتی که سفیر فرانسه با احمدشاه داشت، شاه ایران تقاضا کرد هیأتی از فرانسه عازم ایران شود و در مسائل ایران مداخله کند. بونن با استناد به درخواست شاه، به پاریس پیشنهاد نمود که فرانسه به شکلی که باعث واکنش انگلستان نشود، از حالت بی‌طرفی نسبت به ایران (سیاست سنتی فرانسه در برابر ایران) خارج شود، زیرا: «حکومت شاه نظر مثبتی به این امر دارد». (۲۱)

با توجه به مثلث: «لرد کرزن» در لندن، سرپرسی کاکس، سفیر انگلستان در تهران و «وثوق الدوله» در پست نخست‌وزیری ایران، مقدمات انعقاد قرارداد ایران و انگلستان در اوت ۱۹۱۹ مهیا شد. مشاورالممالک، گرایش فرانسوی داشت و وثوق الدوله نمی‌توانست به او تکیه کند. پس در روز هفتم اوت، «نصرت‌الدوله فیروز» به سمت وزارت امور خارجه منصوب شد و

مشاورالممالک از ریاست هیأت اعزامی به پاریس نیز خلع گردید. (۲۲)

در نهم اوت، قرارداد ۱۹۱۹ به امضا رسید، ولی چون مجلس چهارم هنوز تشکیل نشده بود، اجرای قطعی آن بسته به تصویب مجلس بود. سفیر فرانسه از ۱۱ اوت، یعنی دو روز پس از امضای قرارداد، مکاتبات خود را با پاریس، افزایش داد. در تلگرام ۱۱ اوت، خلاصه‌ای از مفاد قرارداد را به پاریس ارسال نمود و در آن نامه یادآور شد که در متن قرارداد، هیچ اشاره‌ای به منافع دولت‌های دیگر نشده است. (۲۳) در تلگرام ۱۳ اوت، بونن ضمن تکرار بحث‌های قبلی، یادآور شد که براساس قرارداد، ایران دیگر از فرانسه مربی و آموزگار نخواهد داشت. (۲۴) وی در تلگرام ۱۴ اوت، به عملیات سرکوب پلیس علیه مخالفان قرارداد اشاره کرد و مدعی شد که ترتیب جدید روابط ایران و انگلستان، متضاد با منافع ایران و فرانسه است. (۲۵) در ۱۵ اوت، پیشون به کارهایی دست زد و به سفیر فرانسه در آمریکا، در تلگرافی نوشت: «وزیرمختار ما در تهران، از قرارداد تحمیل شده به تهران توسط سفیر انگلستان، خبر داده است و با توجه به ضعف دولت ایران، این قرارداد نوعی قیمومت کامل است... در حالی که موضوع این قیمومت، قبلاً پیش‌بینی نشده بود و موضوع نیز به جامعه ملل واگذار نشده است...». (۲۶)

در فرانسه نیز واکنش‌هایی در برابر معاهده ۱۹۱۹ آشکار شد. «آلبرت توماس»، وزیر جنگ فرانسه، در یک سخنرانی در مجمع ملی، موضوع این قرارداد را مطرح ساخت و اعلام نمود: «به رغم علاقه خاصش به دولت انگلستان، ولی موضوع قرارداد ۱۹۱۹، شدیداً قابل انتقاد است و این سیاست انگلستان، در تعارض با اصول جامعه ملل می‌باشد». (۲۷)

سرکنسول فرانسه در کلکته در نامه‌ای به «که دورسه» نوشت: «انگلستان با داشتن ایران، عراق و در آینده نزدیک، افغانستان - که همگی مکمل‌های طبیعی امپراتوری هندوستان تلقی می‌شوند - به آینده‌ای که کاملاً قابل پیش‌بینی است، می‌اندیشد. این سرزمین‌های بکر، دور نماهای وسیعی را برای گسترش نفوذ انگلیس - هند به ارمغان می‌آورد». (۲۸)

به دنبال انعقاد قرارداد، بونن مخالفت خود را شدیدتر کرد. در ۱۰ سپتامبر، بونن یک نامه طولانی نوزده صفحه‌ای به پاریس ارسال کرد و در آن، سیاست جدید استعماری انگلستان در ایران را تشریح نمود و نوشت: «ماده ۲ قرارداد که بکارگیری کارشناسان انگلیسی را در تمامی حوزه‌های اداری ایران ضروری می‌داند، با منافع فرانسوی‌ها برخورد دارد، به ویژه اینکه علاوه بر

موضوع استخدام آموزگاران فرانسوی، مسئله ادامه خدمت آقای پرنی، حقوق‌دان فرانسوی، در وزارت دادگستری نیز مطرح است. در نتیجه، کارشناسان و عوامل فرانسوی حتی اگر تغییر نکنند، تحت نظارت مستشاران انگلیسی قرار می‌گیرند و تمدید قرارداد با آنها، مسئله‌ساز خواهد بود. حضور کارشناسان فرانسوی روز به روز کاهش می‌یابد و زبان انگلیسی، همانند مصر، زبان غالب و حاکم بر نظام اداری ایران می‌شود. ماده ۳، هرگونه شانس بکارگیری مریمان ما در ارتش ایران را از بین می‌برد، هر چند که وثوق‌الدوله در ملاقاتی، علاقه ایران به برخورداری از مربی فرانسوی در ارتش را یادآور شده است.

سفیر فرانسه با اشاره به ماده ۴، اعلام نمود: «این ماده، استخدام مستشاران مالی فرانسوی را محال می‌سازد، زیرا که دولت انگلستان، اداره امور مالی و تهیه پول را عهده‌دار می‌شود». بونن ماده ۵ را نیز مورد انتقاد قرار داد: «با چنین ماده‌ای، طرح‌های راه آهن و سایر پروژه‌های حمل و نقل، مانند خودرو که ما می‌توانیم در آن فعال باشیم، در انحصار انگلیسی‌ها قرار می‌گیرد. ماده ۶، بازرنگری مقررات گمرکی را میان ایران و انگلستان مدنظر قرار می‌دهد و این نگرانی وجود دارد که همان طور که کنسول فرانسه در تبریز اعلام کرد، به دنبال برخی از اقدامات انگلیسی‌ها، هرگونه رقابت تجاری خارجی (غیر انگلیسی) فلج شود». وی در پایان گزارش خود، مشروعیت قرارداد را زیر سؤال برد و اظهار داشت که: «تا قرارداد به تصویب پارلمان نرسد، قانونی نیست» (۲۹).

پس از امضا قرارداد، وثوق‌الدوله بخشی از مقررات گمرکی را به نفع انگلستان تغییر داد که بونن به شدت به این سیاست اعتراض کرد و کوشید سفیر آمریکا در ایران را تشویق کند تا آنها نیز به نوبه خود، یادداشت‌های اعتراض‌آمیزی تسلیم دولت ایران کنند. (۳۰)

سفیر فرانسه در بروکسل نیز در نامه‌ای، مضررات قرارداد ۱۹۱۹ را برای دولت بلژیک، یادآور شد. «پیر دو مارجری» در نامه مورخ ۱۹ اوت ۱۹۱۹، به مسائل کارمندان بلژیکی در پست، بخش‌های عمومی و به ویژه گمرک اشاره نمود: «در اثر این توافق، کارمندان بلژیکی که بخشی از نظام اداری ایران را بازسازی کرده‌اند، مجبور به ترک پست‌های خود خواهند شد» (۳۱). بونن در نامه ۲۳ اوت ۱۹۱۹، مواضع سایر قدرت‌ها را در ارتباط با این قرارداد، یادآور شد: «سفیر ایالات متحده آمریکا، تعجب شخصی خودش را به سفیر انگلستان اعلام داشته است و دولت

آمریکا، دستور تعقیب فوری مسئله را داده است.»<sup>(۳۲)</sup> وی همچنین از وضعیت مخالفان داخلی صحبت نمود و مدعی شد که زندان‌های ایران مملو از مخالفان قرارداد است.<sup>(۳۳)</sup>

کنسول فرانسه در تبریز، در نامه ۱۶ اوت، با اشاره به مخالفت‌های مردمی با قرارداد در تبریز، برقراری نظارت از سوی دو دولت فرانسه و آمریکا را بر روند اجرای قرارداد، راه‌حلی مناسب می‌داند که در این صورت، به موقعیت برتر سیاست‌گذاری انگلستان لطمه‌ای وارد نمی‌شود و ضمن حفظ پرستیژ فرانسه - که با پذیرش داوطلبانه این نظارت محقق می‌شود - منافع سایر قدرت‌ها نیز حفظ می‌شود. نامبرده اظهار داشت که پیش‌بینی نقش نظارتی برای فرانسه و آمریکا، باعث می‌شود اعزام افسران فرانسوی برای آموزش در ارتش ایران، متوقف نشود و کارشناسان آمریکایی، همانند گذشته، به ایران دعوت شوند.

کنسول فرانسه به ضرورت حضور عوامل بلژیکی در گمرکات ایران، برای تقویت زبان فرانسه، اشاره کرده و حذف آنها را عامل محو تدریجی زبان فرانسه از ایران می‌دانست. وی تاکید کرد که حضور بلژیکی‌ها در گمرکات، باعث شده جمعی از ایرانیان برای اشتغال در گمرکات، زبان فرانسه را فراگیرند، در حالی که در شرایط فعلی و با حضور آتی انگلیسی‌ها در این مراکز، زبان انگلیسی مورد توجه قرار می‌گیرد.<sup>(۳۴)</sup>

کنسول فرانسه در تبریز، در نامه دیگری به پیشون، به نقطه نظرات مخالفان اشاره نموده و نوشت: «مخالفان سرکوب شده‌اند، در حالی که استدلال می‌کنند کمک انگلیسی‌ها به روس‌ها در تضييع حقوق ایرانیان، آنقدر زیاد است که نمی‌توانند اعتماد ایرانیان را به خود جلب کنند. مخالفات مدعی‌اند که در کابینه و ثوق‌الدوله، افراد مشکوکی حضور دارند و انگلیسی‌ها به بهانه اصلاحات اداری، در صدد تحمیل یک قیمومت، مشابه وضعیت مصر، در ایران هستند.»<sup>(۳۵)</sup> سفیر فرانسه در تهران، در یادداشتی به پاریس نوشت که هشت تن از علمای مهم تهران، خوی، اصفهان و سایر شهرها، قرارداد را مخالف مذهب و استقلال کشور یاد کرده‌اند. براساس یادداشت بونن، از سفارت فرانسه خواسته شده است مخالفت مذهبیون، از سوی مطبوعات خارجی مورد توجه قرار گیرد.<sup>(۳۶)</sup>

بونن از عوامل مخفی نیز برای کسب اطلاع از حوادث استفاده می‌کرد. یکی از این افراد، در گزارش محرمانه خود، اوضاع و احوال ایران را این گونه تحلیل کرد: «شورش علیه انگلستان

در حال شکل‌گیری است... قرارداد با انگلستان که ایران را از هر گونه استقلال بازمی‌دارد، مردم را به خشم آورده است و مورد نفرت عمومی است. دولت، کلیه رجال سرشناس مخالف را تبعید می‌کند. شاه که نمی‌خواهد خود رأساً قرارداد را امضا کند، مسئولیت را به نخست‌وزیر و یا رئیس مجلس و وزیر خارجه واگذار کرده است. وزیر خارجه، خود نیز به نوعی در تبعید است... این نهضت ضد انگلیسی، قفقاز را دربرمی‌گیرد و با قدرت، در افغانستان و ترکستان گسترش می‌یابد. رابطه تنگاتنگی با ترکیه وجود دارد و به رغم تفاوت در آیین مذهبی (تشیع و تسنن)، اتحاد محمدی در همه جا گسترش می‌یابد. هیچ اثری از نفوذ بلشویک روس و اساساً بلشویسم مشاهده نمی‌شود».

گزارشگر مخفی که با نام مستعار «میرزا» اخبار را تهیه می‌کرد، در پایان این گزارش نوشت: «نهضت ضد انگلیسی، چنانچه از سوی یک دولت اروپایی حمایت نشود، به نهضتی ضد اروپایی تبدیل می‌گردد».<sup>(۳۷)(۳۸)</sup> بر اساس این گزارش، در آذربایجان، موج ضد انگلیسی شدت گرفته و نمایندگان کمیته آزاد دمکرات در آذربایجان «ضمن مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹، اعلام داشتند که اگر ایران به مستشار نیاز دارد، می‌تواند ترجیحاً به فرانسه و آمریکا مراجعه کند».<sup>(۳۹)</sup>

حال باید پرسید که علت حساسیت فرانسه نسبت به قرارداد ۱۹۱۹ چه بود؟ در حالی که دولت فرانسه در این دوره در ایران، به دنبال منافع استعماری نبود. شاید بی‌اطلاعی پاریس از اقدامات لندن و ناهماهنگی انگلستان با فرانسه، دلیل این حساسیت بود. «پل کامیون»، سفیر فرانسه در لندن، در نشستی که با «لرد هاردینگ» داشت، اعلام کرد: «فرانسه هیچ منافع سیاسی در

---

● براساس گزارش محرمانه یکی از مأموران ستاد ارتش فرانسه (دفتر دوم، واحد اطلاعات) نامبرده با ملی‌گرای ایرانی مخالف قرارداد، در تماس بوده و اعلام نمود که بسیاری از اشراف، رهبران مذهبی، برخی از وابستگان خانواده سلطنتی، مقام‌های اداری عابرنه و حکام ولایات، همگی با نهضت متقابل با قرارداد، موفق هستند و آن را تأیید می‌کنند. مأمور مخفی ارتش فرانسه مدعی شد که البته مخالفان تمایل ندارند که به دنبال مخالفت با قرارداد، در دامان مسکو و ارتش سرخ گرفتار شوند و لذا فقط تمایل دارند که حتی الامکان برخی از مفاد قرارداد تغییر کند.<sup>(۴۰)</sup>

ایران ندارد، ولی یک احساس تعجب و پرسش، فرانسه را فراگرفته و آن اینکه: چرا لندن، پاریس را پیش از اینها در جریان برنامه‌های آتی خود در ارتباط با ایران نگذاشته است؟<sup>(۴۱)</sup>

«نصرت‌الدوله»، وزیر خارجهٔ جدید ایران، در سفری که به پاریس داشت، با آقای «برتولت»، مدیر دفتر سیاسی و تجاری «که دورسه»، ملاقات کرد. برتولت به نصرت‌الدوله اعلام کرد که فرانسه کاملاً نگران منافع آتی اش در ایران است. فرانسه درصدد احداث خط آهنی میان تبریز به مشهد، از مسیر تهران است و نگران این است که نفوذ انحصاری انگلستان در ایران، مانع اجرای این طرح شود.<sup>(۴۲)</sup>

براساس اسناد وزارت خارجهٔ انگلستان، سرپرسی کاکس، سفیر انگلستان در تهران، در گزارش‌های خود به لندن، رفتار بونن را به شدت مورد انتقاد قرار داد، و از لندن خواست در تماس با پاریس، از اقدامات بونن جلوگیری شود.<sup>(۴۳)</sup> لرد کرزن در تماس با «فلوریان»، کاردار جدید فرانسه در لندن، موضوع را متذکر شد و فلوریان به صراحت اعلام نمود که سیاست فرانسه دربارهٔ ایران، تغییری نکرده و سفیر فرانسه، برخلاف دستورالعمل «که دورسه» عمل کرده است. فلوریان در تلگرافی به پاریس نوشت: «در نشستی که با لرد کرزن و «سر رونالد گراهام» داشتم، لرد کرزن درخصوص رویهٔ سفیر ما در تهران گلایه کرد و اعلام داشت: بر اساس گزارش‌های سفارت انگلستان در تهران، آقای بونن از زمان ورودش به تهران، سیاست دشمنی با انگلستان را پیشه خود ساخته است و اخیراً نیز نزد نخست‌وزیر ایران، شدیداً با قرارداد ۱۹۱۹ مخالفت کرده است. من به آنها گفتم: آقای بونن در چارچوب دستورالعمل‌های وزیر خارجهٔ فرانسه عمل نکرده است و ضمن اینکه سفیر انگلستان در تهران نیز تا حدودی در خصوص مداخله‌های آقای بونن، مبالغه کرده است.»<sup>(۴۴)</sup>

سرپرسی کاکس، فعالیت‌های سفارت فرانسه در تهران را به دقت زیر نظر داشت و آنها را به لندن گزارش می‌کرد. کاکس در گزارش خود از اقدامات وابستهٔ نظامی فرانسه در تهران و تحریکات وی در میان افسران سوئدی در ژاندارمری ایران خبر داد و اظهار داشت که وابستهٔ نظامی سفارت فرانسه، با ملاقات‌های متعدد با «سرهنگ گلوپ»، مشاور سوئدی ژاندارمری ایران، می‌کوشد افکار بدبینانه نسبت به قرارداد انگلستان - ایران، القاء کند. سروان فرانسوی که با یک فرد روحانی شاغل در ژاندارمری ملاقات داشته، از وی خواسته تا افسران ژاندارمری را



مطلع سازد که در صورت عدم اطاعت از قرارداد ۱۹۱۹، از حمایت فرانسه، روسیه و آمریکا برخوردار می‌شوند. (۴۵)

«که دوره» سرانجام خلاصه‌ای از اعتراض‌های دولت انگلستان را به بونن ارسال کرد و سفیر فرانسه در تهران در تلگراف ۱۹ اوت ۱۹۱۹ در پاسخ نوشت: «مداخلات نسبت داده شده به من، بسیار مبالغه‌آمیز و کاملاً ساختگی است و در واقع، تلاشی است برای حذف یک شاهد مستقل که ایرانیان به آن اعتماد دارند. من از زمان انعقاد قرارداد، از هر گونه ملاقات و ارتباطات مکتوب و شفاهی با نخست‌وزیر پرهیز کرده‌ام تا دستورالعمل‌های جنابعالی (وزیر خارجه) دریافت شود. در گزارش قبلی یادآور شدم که این نظرات لندن، در واقع، تداوم همان طرح‌هایی است که از زبان عوامل انگلیسی - هندی شنیده می‌شود و آن، حذف کلیه رقبا از صحنه ایران، در شرایطی که روسیه نیز اجباراً در ایران حضور ندارد، است.» (۴۶)

سفیر انگلستان در پاریس، در برابر مقاله‌های روزنامه‌های فرانسه، بسیار حساس بود و در گزارشی به لندن، مفاد سرمقاله روزنامه «لو تان» (Le Temps) و روزنامه «گالوا» (Galois) مورخ ۱۷ اوت ۱۹۱۹ را بازگویی و مورد انتقاد قرار داد. «رونالد گراهام» مفاد مقاله‌های مذکور را نوعی اعتراض به قرارداد انگلستان و ایران می‌دانست. (۴۷)

در پی این قضایا، سفیر فرانسه در لندن به وزارت خارجه انگلستان فراخوانده شد. وی تضمین داد که فرانسه در ایران منویات سیاسی ندارد و سیاست فرانسه در قبال ایران، تغییری نکرده است، «اما دولت فرانسه از خبردار شدن این قرارداد، پس از انعقاد و چاپ آن در مطبوعات. بدون اطلاع قبلی به فرانسه که متحد انگلستان تلقی می‌شود، ناراحت شده است. البته دولت فرانسه به اصول قرارداد اعتراضی ندارد، ولی میان متحدان این انتظار وجود دارد که موضوع این نوع قراردادها، با توجه به اهمیت آنها، به اطلاع همدیگر رسانده شود و علت واکنش رسانه‌ها و افکار عمومی، همین سکوتی بوده است که متحد فرانسه از خود داشته و قضایا را به اطلاع فرانسه ترسانده است. ضمن اینکه جوسازی‌های مطبوعاتی برخی از عوامل انگلستان در سوریه، در قبال سیاست‌های فرانسه، باعث شده که شک‌های تأسّف‌باری در خصوص همبستگی متحدان بروز کند.» (۴۸)

با توجه به اینکه در همین زمان، احمدشاه و وزیرخارجه جدید، در سفر اروپا به سر

می بردند، لندن تمام عواملش را برای نظارت بر همه تماس‌ها و جابجایی‌های هیأت سلطنتی در اروپا، به ویژه در فرانسه، بسیج کرد تا تماس و ارتباطی که باعث تغییر نظر شاه نسبت به قرارداد شود، صورت نگیرد. زمانی که هیأت سلطنتی در سوئیس به سر می‌برد، لرد کرزن نگران تحت تأثیر قرار گرفتن نصرت‌الدوله بود، هر چند که به وفاداری او اعتقاد داشت، اما از آنجا که نصرت‌الدوله تحصیل کردهٔ فرانسه بود، احتمال نفوذ عقاید محافل فرانسوی در او وجود داشت. (۴۹) کرزن در دستور محرمانهٔ ۲ سپتامبر ۱۹۱۹، به سفیر انگلستان در سوئیس مأموریت داد که هر طور شده، نصرت‌الدوله را برای انجام سفر به لندن، قبل از عزیمت به پاریس، قانع سازد. (۵۰) البته نصرت‌الدوله تسلیم این درخواست نشد و استدلال کرد که اگر سفر پاریس را به تعویق اندازد، بهانهٔ لازم به دست وزیر خارجهٔ سابق ایران - که در آن زمان در پاریس بود - خواهد داد و محافل و مطبوعات فرانسوی که مخالف قرارداد ۱۹۱۹ هستند، موضوع را مطرح خواهند ساخت و وی به خیانت به کشور متهم خواهد شد، زیرا که چنین عملی، نشانهٔ اطاعت محض دولت ایران از خواسته‌های انگلستان است. (۵۱)

به محض ورود هیأت سلطنتی به پاریس، کرزن، سرگراهام را مأمور کرد تمامی تماس‌ها و فعالیت‌های اعضای هیأت، به ویژه نصرت‌الدوله را زیر نظر بگیرد تا دوستان فرانسوی و ایرانی وی در پاریس، او را از سفر به لندن منصرف نسازند و مدت اقامت هیأت در پاریس، طولانی نباشد. (۵۲)

به هر ترتیب، احمدشاه در سفرش به فرانسه، تحت تأثیر افکار عمومی قرار گرفت و تا حدودی نسبت به مفاد قرارداد ۱۹۱۹ دلسرد شد. گویا در ملاقاتی که احمدشاه با «ریمون پوان کاره»، رئیس‌جمهور فرانسه داشت، مقام فرانسوی، وی را به طور محرمانه از نظر منفی کشورش نسبت به قرارداد واقف ساخت. سفارت ایران در پاریس نیز اعلامیه‌ای منتشر کرد که در آن، مظلومیت دولت ایران در برابر انگلستان و مخالفت قاطبهٔ ایرانیان با قرارداد، بیان شد. نصرت‌الدوله از این اقدام «صمدخان ممتازالسلطنه»، سفیر ایران - که از سال ۱۹۰۹ در پاریس مستقر بود - به شدت خشمگین شد و همان‌جا، حکم خلع وی را صادر کرد. دولت فرانسه به شدت با این اقدام مخالفت کرد و ممتازالسلطنه را همچنان به عنوان سفیر قانونی ایران، به رسمیت شناخت. (۵۳) به هر ترتیب، حضور هیأت ایرانی در پاریس، باعث دلسردی احمدشاه

نسبت به قرارداد گردید. به هنگام بازگشت شاه به وطن، گروهی از جوانان در برابر کاروان شاه تظاهرات کوچکی برگزار کردند و شعار «زنده باد شاه» و «مرگ بر انگلیس» سر دادند. کاکس در گزارش خود مدعی شد که تظاهرکنندگان از دانش‌آموزان «مدرسه آلیانس فرانسه» در تهران بوده‌اند و تحریکات سفارت فرانسه، عامل این تظاهرات بوده است.<sup>(۵۴)</sup> با توجه به اینکه در سال ۱۹۲۰، دولت ایران درگیر قضایای اشغال مناطق شمالی ایران توسط ارتش سرخ شد، ماجرای قرارداد ۱۹۱۹، ادامه نیافت و ملت ایران از غلطیدن در ورطه‌ی یک تحت‌الحمایگی ننگین، نجات یافت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

پی نوشت‌ها

1. *A.M.A.E.F Perse*, NS. 18, Politique Etrangère, 1912-1914, N° 77, Téhéran, Novembre 1914.
۲. کتاب سبز وزارت امور خارجه ایران، بی طرفی ایران، مکاتبات سیاسی ایران با قدرت های خارجی. ج ۱، ش ۳۶۷، ص ۱۶۶.
3. Mohsen Chardi-Manahedji. *Les relations entre l'Iran et les grandes puissances de 1900 à 1925, sur la base des traités conclus au cours de cette période*, Thèse de Droit, Université de Montpellier, 1987, PP. 112-3.
4. *A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Série E, CNo 369, Vol. XXV, Dossier No 1-2. F. 185. Téhéran.
5. *Papers Relating to the Foreign Relations of the United States 1919*, The Paris Conference. Department of State Publicatio. No 1815. Vol. I. P. 369.
6. *A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Série E, Vol. XXIV, F. 64, le 16 Octobre 1918.
7. *A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Série E, Vol. XXIV, F. 139, Tèhèran; Ali Gholi Mochaverol Mamalek; 16 Safar 1337, Le 24 Novembre 1918.
۸. سند مذکور فاقد برگه (F) مستقل بود و در پرونده مربوط به نامه مشاورالممالک انصاری، وزیر خارجه ایران، نامه مورخ ۹ آوریل ۱۹۱۹، برگه (F). شماره ۱۴۳ قرار داشت.
- A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Série E, No 369, Vol. XXV, Dossier 1-2. F. 143.
9. *A.M.A.E.F Perse*. 1918-1929, Série E. Vol. XXV. Paris. De Mochaver-ol-Mamalek à Stephen Pichon, Le 15 Février 1919.
10. "Les Affaires Etrangères et le Corps Diplomatique Français", Sous la Direction de Jean Baillou, Centre National de la Recherche Scientifique, Paris, 1984, Deux Tomes, Tome I. P. 794.
11. *M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Série E, CNo 369, Vol. XXV, Dossier 1-2, F. 143, le 9 avril 1919.
12. *M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Série E, CNo 369, (mars 1918-août 1919) F. 80, Télecramme. Paris, De Pichon à ministre français à Téhéran. Le 21 mars 1919.
13. A. M. A. E. F Perse. 1918-1929. Sèrie E. CNo 369. Vol. XXV.

14. Le Ministre des Affaires Etrangères de la France. Annuaire Diplomatique de l'Empire Français, Librairie de Veuve Berger, Levrault et fils, 1918-1920, PP.39 et 51.
15. *A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Série E, Vol. XXIV, Dossier No 1, FF: 101-31, Téhéran. Le 10 Octobre 1918.
16. *A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Série E, Vol. XXIV, Dossier No 1, F. 119, Téhéran, Le 20 November 1918.
17. *A.M.A.E.F Perse*, 1919, Série E, CNo 369, Vol. XXV, F. 118, Du Général Franchet D'Espery, Commandant en Chef les Armées Alliées en Orient à M, le Président du Conseil, Ministre de la Guerre, le 21 Mars 1919.
18. Mohsen Chardi-Manahedji, op.cit.
19. *A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Série E, CNo 369, Dossier 4. (Mars 1918- août 1919) F. 89, Téhéran, Le 13 Juillet 1919.
20. *A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Série E, CNo 369, Vol. XXV, FF.188-90. Tèlegamme. Téhéran, le 28 Juillet 1919.
21. *A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Série E, CNo 369, Vol. XXV, Dossier 12, No 1-2, F. 195, Téhéran.
۲۲. فریدون زندفرد، پیشین، ص ۵۶، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
22. *A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Série E, CNo 369, Dossier 4 (Mars 1918- août 1919) F. 110, Tèhèran, Le 11 août 1919.
23. *A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Série E, CNo 369, Dossier 4 (Mars 1918- août 1919) F. 113, Téhéran. Le 13 août 1919.
24. *A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Série E, CNo 369, Dossier 4 (Mars 1918- août 1919) F. 117, Paris, De Pichon à l'Ambassadeur française Washington, Secret, Le 15 août 1919.
25. *A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Série E, CNo 369, Dossier 4 (Mars 1918- août 1919) F. 115, Téhéran, Le 14 août 1919.

26. *A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Sérié E, CNo 369, Dossier 4 (Mars 1918- août 1919) F. 117, Paris, De Pichon à l'Ambassadeur Française Washington. Secret. Le 15 août 1919.
27. نک: محمد جواد شیخ الاسلامی، اسناد سری وزارت خارجه بریتانیا، قرارداد ۱۹۱۹، تهران: کیهان، ۱۳۶۸، سری ۷۴۷، ش ۴۹، ص ۷۵-۶، «تلگرام از سرگراهام به لرد کرزن»، ۳۰ اوت ۱۹۱۹.
28. *A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Sérié E, CNo 369, Dossier 4 (Mars 1918- août 1919) F. 139.
29. *A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Sérié E, CNo 369, Vol. XXXIII, Dossier 4 (1 Septembre 1918 - 30 avril 1920) F. 9, Téhéran, De Bonin à Pichon, Le 10 Septembre 1919.
۳۰. محمد جواد شیخ الاسلامی، پیشین، ج ۲، ش ۳۱، ص ۴۷؛ تلگرام تهران، «از کاکس به کرزن»، ۲۱ مارس ۱۹۱۹.
31. *A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Sérié E, CNo 369, Dossier 4 (Mars 1918- août 1919) F. 137, Bruxelles; le 19 août 1919.
32. *A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Sérié E, CNo 369, Dossier 4 (Mars 1918- août 1919) F. 155, Tèlegamme, Téhéran, Bonin, le 23 août 1919.
33. *A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Sérié E, CNo 369, Dossier 4 (Mars 1918- août 1919) F. 155, Tèlegamme, Téhéran, Bonin, le 23 août 1919.
34. *A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Sérié E, CNo 369, Dossier 4 (Mars 1918- août 1919) Tauris, Du Consul de France à Tabriz à Pichon, Le 16 août 1919.
35. *A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Sérié E, CNo 369, Dossier 4 (1 Septembre 1919 - 30 avril 1920) F. 3. Tauris, Le 4 Septembre 1919.
36. *A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Sérié E, CNo 369, Dossier 4 (1 Septembre 1919 - 30 avril 1920) Vol. XXXIII, F. 120, Tèlegamme, Téhéran, Bonin, le 28 november 1919.
37. *A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Sérié E, CNo 369, Dossier 4 (1 Septembre 1919 - 30 avril 1920) Vol. XXXIII, F. 616, "le compte-rendu confidentiel d'agent nbcin généralement informé mais parfois tendancieux" le 24 october 1919.
38. *A.M.A.E.F Perse*, Sérié E, CNo 369, Dossier 4. (1 Septembre 1919 - 30 avril 1920) Vol.

XXXIII, F. 160. Etat-Major, 2<sup>ème</sup> bureau, Section de renseignement, le 16 fevrier 1920.

۳۹. محمدجواد شیخ الاسلامی، پیشین، ج ۱، ش ۱، ۲۸ نوامبر ۱۹۱۹.
۴۰. پیشین، ج ۱، شماره ۹۰، ص ۱۳۴؛ تلگرام لندن، «از کوزن به کاکس»، ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۹.
۴۱. پیشین، ج ۱، شماره ۱۳۹، ص ۲۰۸؛ لندن، «از کوزن به کاکس»، ۲۳ نوامبر ۱۹۱۹.
۴۲. پیشین، ج ۴، شماره ۷۱۶، ص ۲۵۵؛ تلگرام تهران، «از کاکس به کوزن»، ۱۳ اوت ۱۹۱۹.
۴۳. پیشین، ج ۴، شماره ۷۲۶، ص ۲۵۶؛ لندن، «از کوزن به کاکس»، ۱۹ اوت ۱۹۱۹.
44. *A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Série E, CNo 369, Dossier 4. (Mars 1918- août 1919) Telegramme, Téhéran, Bonin, Le 23 août 1919.
۴۵. محمدجواد شیخ الاسلامی، پیشین، ج ۱، ش ۷۹، ص ۱۰۴۵؛ تلگرام تهران، «از کاکس به کوزن»، ۱۹ سپتامبر ۱۹۱۹.
46. *A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Série E, CNo 369, Dossier 4 (Mars 1918- août 1919) F. 158, Telegramme, Téhéran, Bonin, Le 26 août 1919.
47. Le cas de la Perse. *Bulltin du Jour*. Le Temps, Paris: 16 août, P.1.
48. *A.M.A.E.F Perse*, 1918-1929, Série E, CNo 369, Dossier 4 (1 septembre 1919 - 30 avril 1920) Vol.XXXIII, F.69, Londres, Cambon.
۴۹. محمدجواد شیخ الاسلامی، پیشین، ج ۱، ش ۷۳۷، ص ۲۴۸؛ تلگرام تهران، «از کاکس به کوزن»، ۲۸ اوت ۱۹۱۹.
۵۰. پیشین، ج ۱، ش ۷۶۰، ص ۲۴۹؛ «از کوزن به رامبولد»، ۶ سپتامبر ۱۹۱۹.
۵۱. پیشین، ج ۱، ش ۷۶۰، ص ۷۶۰ و ۲۴۹؛ «از رامبولد به کوزن»، ۶ سپتامبر ۱۹۱۹.
۵۲. پیشین، ج ۱، ش ۷۸، ص ۱۰۵۶، ۱۱ سپتامبر ۱۹۱۹.
۵۳. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، *تاریخ روابط خارجی ایران، از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱، ص ۳۵۹-۶۳.
۵۴. محمدجواد شیخ الاسلامی، پیشین، ج ۲، ش ۸۷، ص ۱۳۰-۱؛ تلگرام تهران، «از کاکس به کوزن»، ۳ ژوئن ۱۹۲۰.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی